

تایید تجاوز باحیل گوناگون

به تاریخ یازدهم ماه می 2008، در ساعت های اولیه روز، مقاله ای از نویسنده محترم "محمد معصوم مشایع"، در پورتال "افغان - جرمن - آنالین" زیر عنوان "به جواب یک پیشنهاد مسخره" به نشر رسیده بود که مانند سایر مقاله ها از آن نیز آموختم. آنچه در این مقاله بیشتر جلب توجه می نمود:

نخست نفدی بود که آقای "مشایع" از پیشنهاد به فرموده خودشان "نیمچه ملا های شمالی" در رابطه با اعمار قبری برای "حبیب الله کلکانی" خدمت "ببرک امریکایی"، به عمل آورده بودند و درثانی جمله ای که از طرف اداره "پورتال" به رنگ سرخ با این محتوا (این ادعا شاید درست نباشد، چون عبدالمجید همچنان در قتل، آدم ربایی و دزدی دخیل بود. لطفاً اگر حقیقت را بیان می کنید واقعبین باشید. یادداشت اداره) بر مقاله آقای "مشایع" افزوده شده بود؛ که عمق وابستگی شاه پرستان را به روس اشغالگر در گذشته و سرسپردگی ننگین آنها را به قوی اشغالگر "ناتو" در مقطع کنونی، با افزودن چنین جملاتی بر نیشته کس دیگری، که بر شمشیر خونچکان قاتلان زنده یاد "مجید کلکانی" بوسه تطهیر می زنند؛ در معرض دید همه گان قرار می داد.

اینکه آقای "مشایع" بر "نیمچه ملا ها" انتقاد وارد نموده اند، ضمن ابراز احترام عمیق به شخص خودشان متواضعانه باید خدمت شان به عرض برسانم که در اساس قضیه غیر از آن چیز نیست که ایشان مورد نقد قرار داده اند.

به نظر من نخست از همه باید هدف "ببرک امریکایی" را از صدور چنان فرمانی آنها چندی بعد از مرگ ولینعمت قبلی اش، در یوزه گر معروف "ظاهر" پادشاه مخلوع افغانستان، به خاطر یافتن جسد رییس جمهور "داوود" و اعمار یک آرامگاه برای وی، به ارزیابی گرفته بعدتر به سایر مسایل می پرداختند.

تا جایی که از وقایع درونی نیروهای مدافع تجاوز و اشغال کشور بر می آید، نزدیکی زمان انتصاب یک مزدور جدید ویا دوام خدمت مزدور فعلی، تحرکاتی را در جمع غلامان در تمام زمینه ها به وجود آورده، برخی را بران داشته تا با لوی "جلیلی" وارد میدان مبارزه شوند و برخی دیگری را با پرچم "خلیلزاد" به این میدان رانده است؛ به همان سان "مصطفی ظاهر" کواسه خلف "نادر" نیز در همسویی کامل با متجاوزین خارجی و جنایت کاران داخلی وارد میدان رقابت در سرسپردگی و عبودیت بیگانه گردیده، "ببرک امریکایی" را در پهلوی برخی تفاله خواران دیگر، به مبارزه طلبیده است.

اینکه "ببرک امریکایی" در قبال سایر رقبا، چه چال و تاکتیکی را پیشه خواهد نمود، باشد سرچایش. آنچه مسلم است در رویارویی با "مصطفی ظاهر" اوبه دو علت بعد از گذشتن 6 سال و اندی به فکر "داوود" و جسد وی می افتد.

یکی جذب افراد متمایل به "داوود" از درون لایه های بالایی بیروکراسی فاسد خاندان طلایی به علاوه ایجاد نفاق بین بقایای آن خانواده در بیرون دادن یک کاندید واحد و دیگری تدارک یک بینی خمیری تقدیر از ملی گرایی نوع "داوود خانی". بدین معنی که "ببرک امریکایی" می کوشد تا با اعمار یک آرامگاه برای رییس جمهور "داوود" که حد اقل ننگ زانو زدن را مقابل "برزینیف" نتوانست قبول نماید، و به اساس ادعای قاتلانش "ایستاده جان داد اما خمیده زندگی نکرد"؛ از خود نیز یک چهره ضد استعماری ترسیم و با به لجن کشانیدن "داوود"، برای شخص خودش ابرویی کمایی نماید.

بدر نظر داشت چنین مطلبی نتنها بر هواداران "داوود" به خصوص آنهایی که در کارنامه شان به جز تداعی خاطرات "داوود" چیز دیگری ندارند، فرض می گردد تا اگر به مواضع آزادیخواهانه "داوود" باورمند بوده و او را "شهید" راه دفاع از آزادی کشور می دانند؛ علیه چنین اقدامی به شدت به پا خاسته، نگذارند مرجع تقلید آنها نیز به لجن "ظاهر خانی" آلوده گردد، بر عناصر ملی نیز لازم می افتد تا دست تکیه به استقامت "ببرک امریکایی" این سردسته غلامان در کابل دراز ننموده دامان پاک شهدای بزرگ مردم افغانستان را ملوث نسازند. چه چنین درخواست هایی باهر نیتی که صورت گیرد، در نهایت به رسمیت شناختن تجاوز و اداره مستعمراتی کرزی است نه چیز دیگر.

و اما در رابطه با آن جمله اضافی در درون مقاله آقای "مشایع" که از طرف عناصر جبون و مزدور بیگانه به نام "یادداشت اداره" افزوده شده بود، برداشتن جمله خود گواه آن بود که تمام اداره "پورتال" در این عمل ردیالانه سهیم نبوده خلاف آنهایی که تا سرحد لیسیدن شمشیر خون آلود دشمن سقوط نموده اند، هستند هنوز کسانی که مردمی می اندیشند و مردمی عمل می کنند.

تاریخ سه دهه اخیر خود گواه است که وقتی زنده یاد "مجید کلکانی" آن ابر مرد تاریخ معاصر کشور به چنگ دشمنان ملت و آزادی میهن اسیر شد، جیره خواران روس چه نبود که نگفتند و کدام اتهامی بود که بر وی وارد نکردند، مگر باز هم همه شاهد بودیم که چگونه مستنطقین و شکنجه گران آن ابر مرد بر بزرگی

واستواریش سر تعظیم فرود آورده ، به صورت رسمی اعلام داشتند که هیچ نوع مدرکی برای محکومیت وی به دست نیامد. حال وقتی باز هم عده ای دیگری به همان شیپور می دمند به جز رسوایی و افشای هویت ناپاک و وابسته خودشان ارمغانی به دست نخواهند آورد.

"مجید" بزرگ به مدفن خاصی نیاز ندارد تا به دست مزدور فرومایه ای چون "ببرک امریکایی" اعمار گردد، مجید در قلب تک تک رفقا، پیروان و مردم آزاده از کران تا کران کشور و جهان جاداشته، صد ها چون من نوعی وقتی قلم می زنند، دشمن را به مبارزه می طلبند، با آن یادی از مجید را در خاطره ها زنده می نمایند. این مدفنیست که در عوض طواف، پایمردی و استقامت طلب می نماید. کاریکه عناصر جبون در فرهنگ معرفتی خویش با آن آشنایی ندارند.

و اما سخنی هم عنوانی عناصر جبون و خود فروخته ای که به شهید بزرگ ملت " مجید کلکانی" اهانت روا داشته، در صدد آنند تا با گروگان گرفتن حیات "پورتال" این قلم و سایر نویسندگان متعهد به آزادی و سرافرازی کشور را به امتناع از طرح جنایات خاندان غدار "طلایی" و کرنش یا سکوت در قبال متجاوزین و شرکای جنایت کار شان و ادار سازند؛ آنها باید بدانند که کور خوانده اند، همانطوریکه 6 سال قبل در نیشته "آزمونی از نو و یا رسالت دیگر" تذکر داده بودم :

از آستان همت ما ذلت است دور و اندر کنام غیرت ما نیستش ورود
بر ما گمان بندگی زور برده اند ای مرگ همتی که نخواهیم این قیود

بار دیگر اعلام می دارم :

اگر قرا باشد که شرط نشر مقاله و یا مصاحبه ای با این سایت و یا آن سایت زیر پا کردن منافع آزادیخواهانه و تاریخی مردم ما، انصراف از طرح جنایاتی که در طی بیش از 8 دهه بر این ملت روا داشته شده است و خیانت به آرمان شهدای استقلال طلب و آزادیخواه کشور باشد، در صورتی که هیچ جایی رابرای بیان عقایدم نیابم و خودم نیز قادر نگردم آنرا به دیده و گوش هموطنان خویش برسانم، "قلم را شکسته و زبان را بریده" بهتر از آن می دانم که در خدمت بیگانگان و مزدوران آنها قرار گیرد.